

مار تینز جنگ تاکتیکی را به دشان باخت بلژیک تام کروز نداشت



© Gettyimages

باشد. با این کار بلژیک گل نمی خورد. اما برای اینکه بتوانند حریف را شکست دهند باید به این فکر کنند که چگونه باید گل بزنند، چون تنها گل نخوردن کافی نیست. لوکا کو باید دقت کند آن پاسی که دی بروینه در دقیقه آخر نیمه اول ارسال می کند را اومتیتی به اشتباه نمی تواند به خوبی دفع کند. دی بروینه و مرتز باید یادشان باشد که اسکل ویتسل شوتی خواهد زد که لوریس آن را بپاند می کند و اگر آنها در موقعیت مناسب باشند می توانند گل بزنند. اما غیر از این دو صحنه و چند صحنه مشابه و البته کم اهمیت چه؟ آنها چه چیزهای دیگری باید یادشان باشد؟ بلژیکی‌ها بعد از بازی دقیقا می دانستند که اگر چه اشتباهی نکنند گل نمی خوردند، اما نمی دانستند اگر چه کاری کنند گل می زنند.

با وجود عملکرد عالی مار تینز در راس تیم ملی بلژیک او کمی در سیستم بازی مقابل فرانسه دچار خطا شده بود. در تحلیل هایش. کم به این دلیل که شیاطین سرخ بازی بدی از خودشان به

نمایش نگذاشتند. تملک توپ ۶۴ درصدی و دقت پاس ۹۱ درصدی نشان از یک فوتبال خوب دارد. اما ناگرددان مار تینز صرفا در روش رسیدن به گل کمی سردرگم عمل کردند. به همین خاطر آنها شاید می توانستند روی همان چند صحنه یاد شده با کمی خوش شانسی و چند سانتی متر این طرف یا آن طرف تر بودن بازیکن خودی یا حریف به گل برسند اما چنین گلی، حتی اگر به ثمر می رسید، نتیجه یک روش سیستماتیک همانند بازی با برزیل نبود. برعکس تیم فرانسه. درست است که فرانسه‌های روی یک ضربه کرنر به گل رسیدند، اما شیوه بازی آنها نشان داد که نقشه مشخصی برای گل زدن دارند و از همان روش هم چند بار تعدد شوت به سمت دروازه و دو تیم در پایان بازی ضربه‌ها را می خوردند، اما نمی دانستند اگر چه کاری کنند گل می زنند.

با وجود عملکرد عالی مار تینز در راس تیم ملی بلژیک او کمی در سیستم بازی مقابل فرانسه دچار خطا شده بود. در تحلیل هایش. کم به این دلیل که شیاطین سرخ بازی بدی از خودشان به

علی ولی الهی

دقیقه قبل از شروع بازی. جایی که آنها توی تونل بازی ایستاده‌اند و صدای هیاهوی هواداران به گوش می رسد. بازیکنان با هم مشغول خوش و بش هستند و کم کم آماده ورود به زمین می شوند. برای یکی از حساس ترین بازی های دوران زندگی شان. جایی که آنها می توانند با درخشش تاریخ ساز شوند. نکته جالب اینجاست که بازیکنان بلژیک می دانند که آنها یک بار در همین مرحله در همین روز و در همین ساعت توی همین ورزشگاه در حضور همین تماشاچی ها مقابل فرانسه بازی کرده‌اند و یک بر صفر باخت‌اند. آنها یادشان است کرنر دقیقه ۵۱ گریزبان و ضربه سر اومتیتی را. شش دقیقه وقت اضافه را. توپ هایی که از چپ و راست روی دروازه حریف می ریختند را. مشتهای گره کرده دشان در انتهای بازی و بهت هواداران شان را آنها می خواهند اشتباهات گذشته را تکرار نکنند و این بار حریف را شکست دهند.

اولین کاری که همه بلژیکی ها حواس شان هست که انجام دهند این است که دقیقه ۵۱ کرنر ندهند. یا اگر کرنر دادند حواس شان به اومتیتی

حالا همه چیز تمام شده. بعد از شش دقیقه وقت اضافه فرانسه به فینال صعود کرده و بلژیک با یاد شانسش را در رده بندی دنبال کند. بازی بسیار پایاپای دنبال می شد تا اینکه یک ضربه سر، روی یک کرنر، تفاوت صعود و سقوط را روشن کرد. تفاوت لبخند و گریه. تفاوت مرگ و حیات. ساموئل اومتیتی خوشبخت ترین آدم روی کره زمین شد و هواداران فرانسه تمام حس حق شناسی شان را انار بازیکنان آبی پوش میدان کردند. دشان که نمی توانست چند دقیقه آخر بازی را ببیند، اکنون بعد از سوت داور ارو گوهای با مشتهای گره کرده به ابزاز احساسات هواداران پاسخ می دهد. مار تینز دوخته و همه آرزوهایش را بر باد رفته می بیند. بر باد رفته.

بباید فرض کنیم که همین جا همه بازیکنان شمشان را ببینند و باز کنند و بروند به سه، چهار

ابر ستاره بعدی جهان فوتبال طلای سیاه پاریس

هم تیمی هایش نیز بازیکنان خوبی بشوند. کیلیان می تواند سطح تیمش را بالا بکشد. او به اندازه دو بازیکن از مدافعان حریف انرژی می گیرد. به نظر می رسد امپایه، گمشده نسل طلایی فرانسه باشد. نسلی که در جام جهانی قبل مقابل قهرمان از دور رقابت ها کنار رفت و در یورو «ادر» همه آرزوهای شان را در فینال نقش بر آب کرد. اما حالا به پیش می نازند و تا اینجا هیچ تیمی جلودار شان نبوده. ضعف های تاکتیکی دشان با درخشش کیلیان امپایه پوشانده شده و مقتدرانه به فینال رسیدند. آنها حالا با اختلاف شانس اصلی قهرمانی هستند. در فینال اگر تیم حریف پیروز شود، یک شگفتی رخ داده است.

فرانسوی ها می توانند بعد از ریموند کویا و میشل پلاتینی و زین الدین زیدان، به داشتن بزرگ ترین ستاره فوتبال در سال های پیش رو ببالند. بازیکنی که اینقدر زود شروع به درخشش کرده که شاید با حفظ همین سطح و بدون در نظر گرفتن پیشرفت احتمالی، بتواند رکوردهای کریستیان رونالدو و میسی را به قهرمانی جهان نزدیک کرده است. سرعت، تکنیک و همچنین چارچوب شناسی، از ویژگی های اصلی بازی اوست. مهم ترین وجه فوتبال امپایه این است که باعث می شود

علی کر بلایی

ریموند کویا، میشل پلاتینی، زیدان و حالا گریزبان؟ پوگبا؟ هوگو لوریس؟ کاتنه؟ نه هیچ کدام، رهبر نسل جدید فوتبال فرانسه کیلیان امپایه است. بازیکنی که با تنها ۱۹ سال سن کاری کرده که همه باور کنند ابرستاره بعد از کریستیانو و میسی، در حال قدرت نمایی است. تخت حکومت ۱۰ ساله میسی و رونالدو را هنوز کسی نتوانسته سرنگون کند. نیمار هم سنش خیلی بالاتر از این حرف هاست که به عنوان پدیده بعد از این دو نفر بشود به او نگاه کرد. حتی تغییر باشگاه هم باعث نشد نیمار از زیر سایه میسالدو خارج شود و شاید تنها ماحصل آن تصمیم، خارج شدن از لیست سه نفره توپ طلا بود. اذن هزاراد هم سال هاست زیر سایه این دو قرار گرفته و خیلی سخت است خودش را از این وضعیت خارج کند. اما حالا در مورد کسی حرف می زنیم که هنوز ۲۰ سالش نشده و چشم هارا به خودش خیره کرده است. با توجه به سن و شرایط آمادگی، قطعا می توان روی او به عنوان اسب برنده شرط بست. جوان است و دیوانه موفقیت، موناکو را در ۱۸ سالگی به جمع چهار تیم برتر لیگ قهرمانان رساند و حالا در ۱۹ سالگی فرانسه را به قهرمانی جهان نزدیک کرده است. سرعت، تکنیک و همچنین چارچوب شناسی، از ویژگی های اصلی بازی اوست. مهم ترین وجه فوتبال امپایه این است که باعث می شود



گرفتنند

ناخود آگاه جمعی، فرانسه را به فینال برد صعود به فینال باروانشناسی یونگ



کارل گوستاو یونگ

آنها، دیدید دشان، کاپیتان تیم فاتح جام ۱۹۹۸ بوده است. اگر چه هیچ یک از بازیکنان تیم ملی فرانسه در توفیقات و تجارب پلاتینی و زیدان و دشان و... شریک نبودند، اما آن بزرگی ها و موفقیت ها، ایشخور ناخود آگاه جمعی بازیکنان تیم کنونی فرانسه بوده است؛ ایشخوری که بلژیکی ها از آن محروم بودند. یونگ با آکاوی و تعبیر رویاهای بیمارانش به این نتیجه رسیده بود که پس از جنگ جهانی دیگری پس از جنگ جهانی اول در راه است. او در این باره نوشته است که ناخود آگاه جمعی اروپایی ها در آن دوران دلالت داشت بر اینکه جنگ عالم گیر دیگری در راه است. اگر چه پیش بینی در فوتبال امر شاقی است، اما این با قرائن روانشناسی یونگ پیشبازی به نظر می رسد که ناخود آگاه جمعی فرانسوی ها، پلی است برای رسیدن آنها به فینال جام جهانی.

نیمه های جام جهانی، سابقه دو بار قهرمانی در جهان و یک بار قهرمانی اروپا و نایب قهرمانی در جام جهانی ۱۹۷۰، دلالت داشت بر اینکه شانس صعود ایتالیا به فینال بیش از شانس لهستان است. باری، تاریخ و سنت و سابقه و افتخارات یک کشور در عرصه فوتبال، چیزی شبیه ناخود آگاه جمعی بازیکنان تیم ملی هر کشوری را بر می سازد؛ و این ناخود آگاه جمعی، چون روح در روحیه و کاراکتر این یا آن تیم ملی میدهد می شود. و اگر آن تیم مشکل فنی و ویژه های نداشته باشد، معمولا از حریفی که ناخود آگاه جمعی اش کمتر بسوی توفیق و قهرمانی می دهد، شانس بیشتری برای پیروزی دارد. اگر پلاتینی در جام جهانی ۱۹۹۸ کاری کرده بود که فرانسه تا فینال به پست برزیل نرخت، دلایلش دقیقا همین فرانسوی ها و این ناخود آگاه جمعی برزیل نسبت به فرانسه بود. فرانسوی ها به پیروزی مقابل برزیل کمتر مطمئن داشتند تا پیروزی در برابر ایتالیا و هلند و بسیاری از تیم های دیگر آن جام. ناخود آگاه جمعی، تعبیری بر ساخته کارل گوستاو یونگ است. یونگ همانند فروید به ضمیر ناخود آگاه انسان باور داشت ولی برخلاف فروید که ناخود آگاه را برآمده از خود آگاه و وابسته به آن می دانست، یونگ ناخود آگاه را تابع تمام عیار خود آگاه نمی دانست و برای آن استقلال یا مبانی دیگری نیز قائل بود.

از نظر یونگ، خود آگاه ذهن انسان جزیره کوچکی است در دل اقیانوس ناخود آگاه، یونگ ناخود آگاه را نیز به دو بخش فردی و جمعی تقسیم می کرد و معتقد بود ناخود آگاه فردی ریشه در خاطرات کودکی دارد اما ایشخور ناخود آگاه جمعی، تجارب اجداد و گذشتگان است. همین تجارب موفقیت آمیز گذشتگان فرانسوی ها، نقش چشمگیری در برخورداری آنها از روحیه مساعده تر و شخصیت لازم برای غلبه بر حریف (بلژیک) و رسیدن به فینال جام جهانی داشت. فرانسوی ها در چهل سال گذشته، دو بار با میشل پلاتینی به نیمه نهایی جام جهانی رسیده‌اند، دو بار هم با زیدان به فینال میکبار با پلاتینی و یکبار هم با زیدان جام ملت های اروپا را فتح کرده‌اند. و آخرین بار دوازده سال پیش طعم فینال جام جهانی را چشیده‌اند. بگذریم که مرئی

مهرا سینیود

پیروزی فرانسه مقابل بلژیک، اگر چه محصول برتری تاکتیکی خروس ها بر شیاطین سرخ بود، اما با چیزی به نام شخصیت و سابقه و تجربه هم مرتبط بود. منظور از تجربه، البته نه تجربه بازیکنان تشکیل دهنده یک تیم که تجربه فوتبال ملی یک کشور است. بازیکنان بلژیک در جام جهانی ۲۰۱۴، از حیث بازی در بالاترین سطح فوتبال غربی باشگاهی، کم تجربه تر از بازیکنان تیم ملی آرژانتین بودند و نهایتا هم آن بازی را بر صفر باختند؛ اما همین مجموعه بازیکنان سرخوش در قیاس با بازیکنان تیم ملی نبودند. بلژیکی ها و فرانسوی ها هر دو در یک چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۱۴ طعم شکست را چشیدند (مقابل آرژانتین و آلمان) و در یورو ۲۰۱۴ نیز حضور داشتند؛ جموعه بازیکنان تشکیل دهنده این دو تیم، در چهار سال گذشته حضور در دو تورنمنت ملی مهم را تجربه کرده و به اندازه کافی پخته شده بودند. در سطح باشگاهی نیز بازیکنان هر دو تیم در بالاترین سطح فوتبال اروپا بازی می کنند ولی چرا قبل از بازی، به نظر می رسد فرانسوی ها کمی بیش از بلژیکی ها شانس دارند برای رسیدن به فینال؟ وند بازی هم نشان داد که تیم فرانسه برای رسیدن به فینال، چیزی دارد که بلژیک فاقد آن است. چیزی شبیه شخصیت و کاراکتر لازم برای فینالیست شدن. گوپارد فوتبال، فراتر از تجربه شخصی بازیکنان و تجربه یک تیم، چیزی هم وجود دارد شبیه دارد. تجربه ای که ایشخور تاریخ و سنت و سابقه و افتخارات فوتبال یک کشور است. در جام جهانی ۲۰۰۲، اگر چه کره جنوبی ایتالیا را در یک هشتم نهایی شکست داد، ولی تصور پیروزی کره ای ها مقابل آلمان در نیمه نهایی جام جهانی، بسیار دشوار بود. در سال ۲۰۰۶ هم اگر چه بر تغالرقیبی پایاپای بود برای فرانسه، ولی باز چیزی علاوه بر کیفیت بازیکنان و کیفیت این دو تیم، احتمال صعود فرانسه به فینال جام جهانی را بیشتر می کرد. نیز در ۱۹۸۲، در مواجهه ایتالیا و لهستان در

که مدام بعد از مرگ به دست نیروهای بیگانه می توانست به قبل ورود به صحنه نبرد بر گردد و از نو در جنگ شرکت کند، این توانایی را داشتند که بعد از سوت پایان بازی به چند دقیقه قبل شروع مسابقه بر گردند، صرفا می توانستند مطمئن باشند که جلوی گل خوردن شان را می گیرند، اما نباید مطمئن می بودند که گل هم می توانند بزنند. تام کروز هم در آن فیلم بعد از اینکه هر بار وارد جبهه شد و بلافاصله کشته شد، یاد گرفت چگونه جانش را حفظ کند. با رفتن به مخفیگاه های کوچک او می توانست زنده بماند، اما زنده ماندنش در عمل کمکی نمی کرد، چون او دقیقا نمی دانست چطور باید دشمن را بکشد. اسلحه داشت، شلیک می کرد، به دشمن جراحات هم وارد می کرد، اما در نهایت نمی توانست پیروز جنگ باشد. تا اینکه سر آن پاسی که دی بروینه در دقیقه آخر نیمه اول ارسال می کند را اومتیتی به اشتباه نمی تواند به خوبی دفع کند. دی بروینه و مرتز باید یادشان باشد که اسکل ویتسل شوتی خواهد زد که لوریس آن را بپاند می کند و اگر آنها در موقعیت مناسب باشند می توانند گل بزنند. اما غیر از این دو صحنه و چند صحنه مشابه و البته کم اهمیت چه؟ آنها چه چیزهای دیگری باید یادشان باشد؟ بلژیکی‌ها بعد از بازی دقیقا می دانستند که اگر چه اشتباهی نکنند گل نمی خوردند، اما نمی دانستند اگر چه کاری کنند گل می زنند.

با وجود عملکرد عالی مار تینز در راس تیم ملی بلژیک او کمی در سیستم بازی مقابل فرانسه دچار خطا شده بود. در تحلیل هایش. کم به این دلیل که شیاطین سرخ بازی بدی از خودشان به نمایش نگذاشتند. تملک توپ ۶۴ درصدی و دقت پاس ۹۱ درصدی نشان از یک فوتبال خوب دارد. اما ناگرددان مار تینز صرفا در روش رسیدن به گل کمی سردرگم عمل کردند. به همین خاطر آنها شاید می توانستند روی همان چند صحنه یاد شده با کمی خوش شانسی و چند سانتی متر این طرف یا آن طرف تر بودن بازیکن خودی یا حریف به گل برسند اما چنین گلی، حتی اگر به ثمر می رسید، نتیجه یک روش سیستماتیک همانند بازی با برزیل نبود. برعکس تیم فرانسه. درست است که فرانسه‌های روی یک ضربه کرنر به گل رسیدند، اما شیوه بازی آنها نشان داد که نقشه مشخصی برای گل زدن دارند و از همان روش هم چند بار تعدد شوت به سمت دروازه و دو تیم در پایان بازی ضربه‌ها را می خوردند، اما نمی دانستند اگر چه کاری کنند گل می زنند.

یادداشت

بلژیکی که دل برد

وحید جعفری

قبل از آغاز جام جهانی کمتر کسی فکرش را می کرد ترکیب چهار تیم راه یافته به مرحله نیمه نهایی را تیم های فرانسه، بلژیک، انگلیس و کرواسی تشکیل دهند. البته تا فرانسه در اکثر پیش بینی های دیده می شد؛ اما این آن چیزی نبود که برای سه تیم دیگر هم حدس زده شود. شاید هم افراد معدودی که بنبند فوتبال را شناخته و دنبال می کنند نام بلژیک را نیز در این فهرست قرار می دادند؛ ولی اگر از اکثر دوستداران جام جهانی در این باره می پرسیدید، از آلمان، اسپانیا، آرژانتین، برزیل، برتغال و... نام می بردند و کمتر کسی از انگلیس - که اولین و آخرین بار ۵۲ سال پیش آن هم در خانه قهرمان جام جهانی شده (۱۹۶۶) و آخرین افتخارش چهارم شدن در جام ۱۹۹۰ بود - به همراه کرواسی و بلژیک نام می برد؛ اما هر چه از جام گذشت مشخص شد که آن حدس های اولیه خیال خامی بیش نبودند و این نام های بزرگ نیستند که سرنوشت بازی ها را به خصوص در این جام رقم می زنند.

تیم های اسم و رسم دار که با کلی هوادار در سرتاسر جهان وارد روسیه شده بودند یکی پس از دیگری طرفداران خود را ناامید کرده و به خانه بازگشتند ولی کرواسی - که بزرگ ترین افتخارش سومی در جام ۱۹۹۸ است - و به خصوص بلژیک - که نا قدر ها هم در کانون توجه نبوده و به چشم نمی آمد و تنها یک بار در جام جهانی ۱۹۸۶ چهارم شده بود - کلی طرفدار برای خود دست و پا کردند و به جمع چهار تیم پایانی راه یافتند.

بلژیک با عملکرد خوب خود هواداران ناامید غول های نا کام جام را طرفدار پروپا قرص اذن هزاراد و هم تیمی هایش کرد. حالآ آنها یکی از تیم های دوست داشتنی جام شده بودند که بسیاری امید به قهرمانی شان بسته بودند؛ اما انگار فرانسه چیز دیگری است. در شش بازی خروس ها با شیاطین سرخ کم نبودند آنهایی که دوست داشتند بلژیک برنده شود و بسیار ستایش کردند تلاش و جنگندگی بلژیکی ها را. بسیاری در جامعه ایرانی وقتی تلاش و پشتکار سرخ پوشان را - که تا آخرین لحظه جنگیدند - دیدند و با این تیم مدهذات بنداری کردند. برای خیلی ها بلژیک خود خودشان بود که می خواست حریف طرفدار تر - که قهرمانی و نایب قهرمانی جام ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ را در کارنامه دارد - شکست دهد؛ اما هر چه تلاش کرد نشد؛ اما مهم این است که بلژیک به تمام تیم تلاش را کرد و همین برای طرفداران این تیم کافی بود. بلژیک با طرفداران کمی به جام جهانی روسیه آمد اما بی تردید با هواداران زیادی جام را ترک خواهد کرد و شکی نیست که در رقابت های بعدی بسیاری از این تیم یکدست به عنوان یک مدعی نام خواهند برد و طرفدارش خواهند بود.

کوتاه از جام جهانی

- ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه پس از پیروزی تیم ملی فوتبال فرانسه در نیمه نهایی جام جهانی به امانوئل مکران، رئیس جمهور فرانسه تبریک گفت.
- اومتیتی، مدافع تیم ملی فرانسه به عنوان بهترین بازیکن دیدار فرانسه و بلژیک انتخاب شد.
- مار تینس سرمربی تیم ملی بلژیک گفت: جزئیات بسیار کوچک، سرنوشت مسابقه نیمه نهایی را رقم زد. فرق ما و فرانسه یک توپ مرده بود؛ با سومی جام را تمام می کنیم.
- دشان، سرمربی تیم ملی فرانسه پس از صعود تیمش به فینال جام جهانی گفت: این تیم دیگر نباید بازی فینال را از دست دهد.
- اومتیتی، مدافع تیم ملی فوتبال فرانسه گفت: نمی خواهیم ممانعت فینال یورو نا کام شویم. این بار دیگر نوبت قهرمانی است. مثل سال ۹۸ قهرمان جام جهانی خواهیم شد. تمام تیمم در پیروزی نقش داشته.
- کورتوا، مسترگرن تیم ملی فوتبال بلژیک بعد از شکست برابر فرانسه به انتقاد از سبک بازی حریف پرداخت و گفت فرانسه فوتبال بازی نکرد.
- دی بروین، بازیکن تاثیر گذار بلژیک تاکید کرد که از عملکرد خود و هم تیمی هایش در دیدار برابر فرانسه رضی است و به همین دلیل احساس پشیمانی ندارد.
- کاتنه، هافبک تیم ملی فوتبال فرانسه که از پیروزی و صعود به فینال جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه بسیار خوشحال بود تاکید کرد تنها به کسب عنوان قهرمانی فکر می کند.
- شباهت چهره امپایه به شخصیت کارتونی لاک پشت های نینجا سوزه رسانه ها شده است و از درخشش او تحت عنوان لاک پشت نینجای فرانسه یاد شده است.
- رونالدو نازاریو، ستاره پیشین تیم ملی فوتبال برزیل از نیمار، ستاره کنونی سلسائو خواست رفتارشان را در زمین تلفیق دهد.
- میتسفیلد، سرمربی اسبق بایرن مونیخ و یورسیادور توموند معتقد است در جام جهانی روسیه از اوزیل و گون دوغان دو بازیکن ترک تبار در تیم ملی آلمان نباید استفاده می شد.

